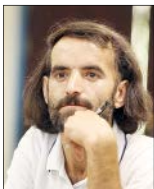


معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در راستای هفته هنر انقلاب اسلامی، دوتفاهم نامه همکاری جداگانه با مدرسه عالی و مؤسسه آموزش عالی «هنر و اندیشه اسلامی» امضا کرد. این تفاهم نامه ها با هدف بهره‌مندی از ظرفیت های مشترک و هم افزایی در راستای ترویج و توسعه حقوق فرهنگ و هنر منعقد شدند. نادره رضایی، معاون هنری وزیر، در دیدار با رؤسای این دو مؤسسه،

همکاری هنر و اندیشه اسلامی تقویت شد



علی مفارهیجام جم آنلاین

هویت چیست و در اکنون زمانه چه تعریفی از هویت داریم. هویت ایرانی چگونه تعریفی دارد؛ جوهر هویت و تفاوتش با دیگر مؤلفه های هویت کجای مسأله هویت می‌گنجد؟ هویت در دهه ها و سال های اخیر در کشور ما به دلائل مختلفی مورد توجه قرار گرفته است. هویت در پاسخ به این پرسش که من کیستم و کجایی ام، از کجا و چه گونه از تولد و خانواده ام تا به امروز و اینجا یی رسیدم که اکنون هستم، شکل می‌گیرد.

در روند گفت‌وگو با نویسنده و پژوهشگر صاحب‌نظر، دکتر حمید دالوند، با انواع و مراتب هویت آشنا می‌شوید و به این نتیجه خواهید رسید که هویت ایرانی در عالی‌ترین مراتب والایی است و کمابیش سه هزاره است که ما ایرانیان به اوج های عالی هویت فرارفته ایم.

■ ■ ■

[۱] آقای دکتر دالوند، تعریف شما از هویت چیست؟

هویت، مقوله‌ای فقط مخصوص ما ایرانی‌ها نیست. مختص انسان [یما هو انسان] است؛ یعنی هر جایی که انسان باشد، بحث هویت وجود دارد و به تعداد آدم‌ها مسأله هویت و پرسش هویتی قابل طرح است.

پس اولین مرتبه هویت، با پرسش از کیستی فرد شروع می‌شود. سپس از واحدهای سازمانی یا اجتماعی در سازه‌های فراتر از فرد، مثل خانواده، طایفه، قوم، ملت و فراتر از ملت می‌تواند این پرسش پرسیده بشود و به آن پاسخ داده شود. آنچه در پاسخ کیستی و چیستی فرد و واحدهای اجتماعی می‌آید، بیانگر هویت و موضوع پرسش یادشده است.

قطعا پاسخ چون برآمده از زمان است و هویت به‌خودی خود با مقوله زمان آمیختگی و پیوند دارد، لذا پاسخ به پرسش هویت در قالب یک روایت خواهد بود. حتی این روایت ممکن است کوتاه و در حد یک جمله باشد.

بنابراین پرسش هویتی و آن پاسخی که بدان داده می‌شود، موجد نوعی روایت است و از آن جاکه نوعی روایت را پدید می‌آورد، ناچار از گذشته شروع می‌شود و تا به امروز و اکنون ادامه می‌یابد. به سخن دیگر، هم به اعتبار «روایت» و هم به اعتبار «هویت»، روایت هویت ماهیتی تاریخی دارد و مقوله هویت، چه فردی و چه اجتماعی با تاریخ پیوند دارد، یعنی روایتی برآمده از زندگی و تاریخ فرد، خانواده، قوم و ملت است.

بنا به نگره ما «هویت» روایتی است که در بستر زمان در پاسخ به پرسش کیستی انسان یا گروه‌های انسانی شکل می‌گیرد.

[۲] این تعریف آیا کامل است؟

نه! وجه دیگری نیز هست؛ در موضوع هویت چون این روایت در بستر زمان پدید می‌آید و شکل می‌گیرد، پس به‌ناگزیر در جامعه و تعامل با دیگری خواهد بود. یعنی مولفه‌ای باید به این مهم اضافه کنیم؛ مولفه «دیگری!» دیگری، عنصری است که لزوم پیدایش روایت هویتی را برای ما ایجاد می‌کند. اگر ما فقط خودمان باشیم شاید چندان نیاز به تعیین هویت نداشته باشیم. این نیاز به تمایز از دیگری است که ما را به تعریف خویشتن خویش وادار می‌سازد. از این رو هویت را بهتر است این‌گونه تعریف کنیم؛ «روایتی از کیستی ما در تعامل با دیگری در بستر زمان.»

[۳] آیا تعامل را می‌شود به کنشگری ترجمه کنیم یا همان تعامل را به‌کیر بیرمی؟ باید توجه کنید که مساله کنش و واکنش، یعنی دوطرفه است. حالا اگر بخواهید فارسی [را یاس بدارید] می‌توانید به جای تعامل، «پیوند» به‌کار ببرید. چون ما هم سبب پیدایش روایت هویت دیگری می‌شویم؛ هویت ما که تعریف شده‌رکس که در آن جای نگرفت، دیگری است. پس دیگری از ما و ما از دیگری متمایز می‌شویم.

می‌توانیم بگوییم که هویت یعنی روایت کیستی من بر بستر زمان در تعامل با دیگری یا در تعامل با دیگری بر بستر زمان. حتما باید این سه چهار تا مولفه را دارا باشد. پس ارکان تعریف ما از هویت همین‌ها است؛ من، دیگری، زمان و روایت.

[۴] تاریخچه و تعریف‌های مختلفی را که هست کنار می‌گذاریم؛ چه زمانی انسان صاحب هویت می‌شود؟

در همه فرهنگ‌ها بلوغ یا «گشنی» خیلی نکته مهمی است و برای آن معیارهای سنی و زیستی مختلفی گذاشته‌اند. در اینجا بهتر است با حفظ احترام آن معیارها، ما هم این معیار را ارائه کنیم که «بلوغ ما زمانی است که ما بتوانیم از کیستی خود روایتی بیان بکنیم.»

می‌توانیم یک مرزی برای هویت، چه فردی و چه جمعی در نظر بگیریم و آن زمانی است که فرد یا جامعه بتواند روایتی درباره کیستی خودش ارائه بدهد

بر اهمیت همکاری نهادهای حوزوی و دانشگاهی برای رفع چالش‌های عرصه هنر تاکید کرد. حجج اسلام نواب و حمیدی یارسا، رؤسای موسسات، به تشریح فعالیت‌ها و ظرفیت‌های مجموعه‌های خود پرداختند و آمادگی برای همکاری در برگزاری برنامه‌های مشترک را اعلام نمودند. موضوعات کلیدی مورد بحث شامل اصلاح سندهای ملی موسیقی، تئاتر و هنرهای تجسمی، نقش پژوهش در

دکتر حمید دالوند، نویسنده و پژوهشگر در گفت‌وگو با روزنامه «جام‌جم» تشریح کرد:

هویت ایرانی در بستر زمان

ایرانیان عالی‌ترین مراتب هویتی مبتنی بر ارزش‌های انسانی را دارند



و این روایت البته بتواند متواتر، چه شفاهی و چه مکتوب در طول زمان و نسل‌ها، خواه در نزد ما و خواه در نزد دیگری، بیان و منتقل بشود.

[۱] زمانی که انسان توانست روایتی از خودش درباره کیستی اش بیان بکند، این انسان صاحب هویت شده است؛ اما در سازه‌های فراتر از انسان چه؟ همین قاعده است. چه ملت، چه خانواده فرقی ندارد. مثلاً زمانی که خانواده بتواند برای خودش روایتی بیان بکند که همه را در بر بگیرد، تعامل با دیگری و مولفه زمان در آن رعایت شده باشد، در این صورت به روایت هویتی رسیده است. یعنی تاریخی برای خودش درست کرده و آن خانواده یا قوم یا ملت صاحب هویتی مشخص شده است.

این روایت قابل نقل و انتقال و قابل بحث و مکتوب شدن است. اینجاست که از رهگذر این روایت می‌توان گفت که رایی به درجه‌ای از خودآگاهی رسیده که پیش از این فاقد آن بود یعنی نفس انسان وارد مرحله جدیدی به‌نام آگاهی به خویشتن خویش یا عصر خودآگاهی شده است. در حقیقت هویت جوامع با حضورشان در تاریخ و قدم‌گذاشتن در تاریخ شکل می‌گیرد. پس تاریخ، علم هویت‌ساز است و علم آگاهی به خویشتن خویش است. ما با نگارش تاریخ در هر زمانی، روایت هویتی برای آن‌زمان ثبت می‌کنیم. پس آگاهی به تاریخ نشان بلوغ فردی و اجتماعی است.

[۲] همین مرحله است که فراتر از نیازهای اولیه به شمار می‌رود و در این راستا صاحب ملک و میراث هم معنوی، هم مادی است؟ معرفت هویتی، نقطه ورود انسان به خودآگاهی است. چون روایت هویت از فرد آغاز و تا سازه‌های کلان اجتماعی امتداد می‌یابد، پس مراتبی دارد: اولین مرتبه‌اش فردی، دومی خانوادگی، سومی ایلی و طایفه‌ای، چهارمی قومی، پنجمی ملی و بالاتر یا فراملی است. درست همان‌گونه که انسان در جامعه مراتب دارد، متناسب با مراتب هویت، تحول پیدا می‌کند.

[۳] می‌توان این‌گونه شرح داد که مثلاً شما از طایفه و ایل دالوند هستید که یک گروهی از خانواده‌ها و تیره‌های مختلفی‌ند و همه با همدیگر مشترکاتی دارند و روایت مشترکی را به‌عنوان تاریخ مشترک و میراث مشترک فکری و معنوی خودشان پذیرفته‌اند و به آن آگاهی دارند.

جالب این‌که به عنوان یک ویژگی دیگر، علاوه بر خودآگاهی و مراتب خودآگاهی، در مراتب بالا، و هویت‌های مرکب ایلی به بالا، وابستگی به مکان

هنر و اهمیت مالکیت هنری و معنوی با رویکرد فقهی بود. همکاری در اجرای طرح‌های مشترک، چاپ گزارش‌های علمی، برگزاری همایش‌ها و نشست‌های تخصصی و تولید محتوای آموزشی از محورهای این تفاهم‌نامه‌ها است. رضایی ابراز امیدواری کرد که این همکاری‌ها به توسعه و به‌روزرسانی عرصه هنر با در نظر گرفتن مولفه‌های فقهی و پژوهشی منجر شود.



عالی هویت سیر می‌کند، وارد جریان‌های بزرگتری می‌شود زیرا به درجات عالی‌تری از خودآگاهی جمعی و هویت‌های بالاتر و ارزش‌هایی دست یازیده که دیگر کوچک نیستند. دیگری او نیز در این مرحله بزرگ‌تر و مهم‌تر است. فراتر از قومیت اما یک مفهوم بزرگتر، یعنی ملت و حتی از آن فراتر و عظیم‌تر یعنی [هویت] فراملی وجود دارد.

[۲] مثلاً موقعی که از من ایرانی سخن می‌گوییم، یعنی من مشترکاتی با کردها، گیلک‌ها، بلوچ‌ها و... در یک سطح بسیار وسیعی دارم؛ مشترکات نژادی و زبانی و مانند آن، از این مقوله هستند و مهم‌ترین مشترکات البته «فکری»، سرزمینی، تاریخی و فرهنگی است.

مولفه‌هایی که در مرحله هویت ملی یا خودآگاهی ملی رشد پیدا می‌کنند و خودشان را نشان می‌دهند، مؤلفه‌هایی هستند که ویژه انسان‌های عالی و انسان‌های فرهیخته‌اند یعنی انسان‌هایی که از نیازهای اولیه‌شان گذشته‌اند. ما زمانی به رشد عالی برسیم، مراتب عالی هویتی را کسب می‌کنیم یا به خودآگاهی هویتی در مراتب عالی می‌رسیم. در این مرحله عنصر میهن، زبان و ادبیات، دین، نژاد و تاریخ مشترک، عنصر قوام‌بخش می‌شود و در کلان‌روایت هویت ملی، خود را نشان می‌دهند و تجلی پیدا می‌کنند.

[۳] فرمودید هویت فراتر از ملت هم هست؛ در این باره بیشتر توضیح دهید؟ بله هست. آنجایی هویت فراملی می‌شود که انسانی و انسانگر است. مثلاً هویت دینی، هویت‌های فلسفی و... که در این فضا دیگر من قومی و نژادی مهم نیست. مولفه‌هایی مانند نژاد و سیاه و سفید و زاده‌ایران یا فراتر از ایران اهمیت ندارند. زیرا من انسان هستم با مشترکات انسانی! چنین هویتی مفهوم انسان را به‌عنوان معیار قرار می‌دهد و یک هویت خیلی کلانی را تعریف می‌کند که تمام بشریت می‌تواند ذیل آن قرار بگیرد.

[۴] رابطه هویت و مسئولیت یا عوارض خودآگاهی هویتی چیست؟

به همان اندازه که خودآگاهی پیدا می‌کنیم، تعهد و مسئولیت پیدا می‌کنیم یعنی به‌قول معروف از زمانی که خودم را شناختم شروع به‌کار کردم. زیرا به این خودآگاهی رسیدم که من مسئولیتی دارم. این خودآگاهی است که حس مسئولیت را در ما بیدار می‌کند و با خودآگاهی پیداکردن به هویت است که مسئولیت و مسئولیت اجتماعی رخ می‌نمایاند. هر چقدر که این دایره هویت گسترده می‌شود و به مراتب عالی می‌رسد، درست همان طوری که خودآگاهی شما فراتر و بالاتر می‌رود، مسئولیت‌ها نیز متفاوت می‌شوند. در مراتب دانی، مسئولیت فردی است و در مراتب عالی، مسئولیت و تعهد ما ملی و در برابر احاد ملت است.

[۵] این مهم را با مثال باز می‌گشایید؟

در نظر بگیرید در دوران دفاع‌مقدس که سرباز به جنگ می‌رود و شهید می‌شود یعنی به آن خودآگاهی ملی رسیده و برای دیگری جانش را فدا می‌کند. اینجا ببینید که هویت چقدر اهمیت دارد. در دفاع ملی، پول و مقام رنگ می‌بازد. ایثار تجلی پیدا می‌کند. هیچ سربازی برای این خواسته کوچک جانش را فدا نمی‌کند.

[۶] تنش‌های هویتی را چگونه تعریف و تحلیل کنیم؟ اگر فهم درستی از هویت و مراتب هویتی داشته باشیم و هرکدام را در حد و اندازه خودشان آن‌گونه که

هستند تعریف کنیم، اصلاً مقوله تفاخر و دعوای‌های این چنینی در میان نیست و روایت هویتی نه‌تنها تنش‌آفرین نیست که روایت‌ها مکمل هم هستند. روایت‌های هویتی هیچ تضادی با همدیگر ندارند چرا که سازواره‌ای جالب دارند که در پیوند و تعامل با هم کلان‌روایت ملی را تعریف می‌کنند. درست مانند یک ساختمان مثلاً ده طبقه که خود ساختمان ارزش خودش را دارد (هویت ملی) و هرواحدی و طبقه‌ای هم ارزش خودش را دارا است (هویت قومی). هویت ملی بر هویت قومی استوار است و هیچ تضادی با هم ندارند، بلکه همدیگر را می‌سازند.

به دیگر سخن، من می‌توانم لر باشم ولی فراتر از آن ایرانی هستم و این‌ها هیچ تضادی با همدیگر ندارد. ایرانی‌ت ما در همه اقوام ایرانی جاری است و از همه آنها پدید آمده‌و جان‌مایه می‌گیرد.

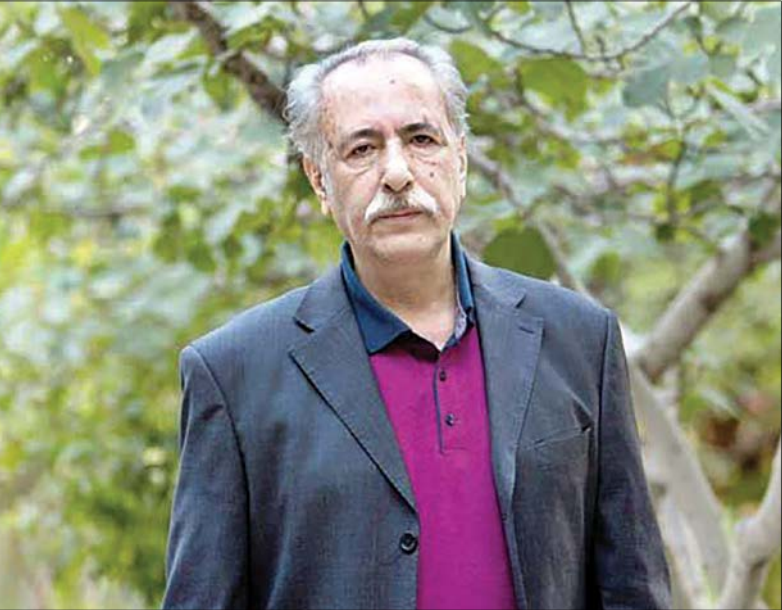
متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید



متن کامل

استاد؛ سایهات مستدام

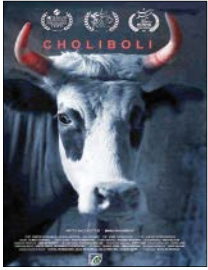
به مناسبت هشتادمین زادروز بهال‌الدین فرم‌شاهی، ادیب، حافظ‌پژوه، مترجم و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ساعت ۱۱ چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۴، برنامه نکوداشتی با عنوان «دل خرم، برای این استاد پیشکسوت در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی برپا می‌شود. در این نشست، غلامعلی حداد عادل، علی‌اشرف صادقی، محمود عابدی، حسین معصومی همدانی و محمدجعفر یاحقی، اعضای پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، درباره جوانب گوناگون فعالیت‌های علمی و ادبی بهال‌الدین فرم‌شاهی سخن می‌گویند.



حضور «چولیبولی» در جشنواره فیلم زنان ازمیر

فیلم کوتاه «چولیبولی» ساخته مانا پاک‌سرشت، به بخش رقابتی جشنواره بین‌المللی فیلم زنان ازمیر در ترکیه راه یافت. این جشنواره که به نمایش آثار زنان فیلمساز اختصاصی دارد، از ۱۵ تا ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ در

ازمیر برگزار می‌شود و بستری برای تبادل فرهنگی میان زنان سینماگر و از سراسر جهان فراهم می‌کند. «چولیبولی» بیش از این نیز در جشنواره‌های داخلی موفق بوده و دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه از جشنواره فیلم کوتاه تهران را کسب کرده و نامزد سیمرغ بلورین بهترین فیلم‌کوتاه از جشنواره فیلم فجر شده است. این فیلم که توسط انجمن سینمای جوانان ایران تهیه شده، داستان طنزآمیز گاوی به نام «چولیبولی» را روایت می‌کند که پس از مرگ پدر بزرگ، به توصیه پزشک روستا، شورش کرده و برای انتقام به‌راه می‌افتد. از عوامل این فیلم می‌توان به سامیار برومند و هادی آذرنگ (بازیگران)، آرمین یوسف‌زاده (مدیر فیلمبرداری) و البرز پورصیاد (تدوین) اشاره کرد. «چولیبولی» در جشنواره ازمیر فرصتی برای نمایش توانمندی‌های سینمای زنان ایران در عرصه بین‌المللی خواهد بود.



گیشه سینما پس از نوروز داغ شد

سینماهای ایران در نخستین هفته پس از تعطیلات نوروز ۱۴۰۴، با استقبال ۴۰۰ هزار مخاطب، فروشی بالغ بر ۲۸ میلیارد تومان را تجربه کردند. در این هفته، کمدی «دایناسور» ساخته مسعود اطیابی، با

وجود انتقادات، پر فروش‌ترین فیلم شد و ۱۵۵ هزار نفر را جذب کرد و ۱۱ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان فروش داشت. پس از آن، «موسی کلیم‌الله» به‌وقت طلوع» ابراهیم حاتم‌کیا با ۱۰۰ هزار تماشاگر و ۷ میلیارد تومان فروش در رتبه دوم قرار گرفت. فیلم‌های «کوکبل مولوتوف»، «رها»، «پسر دلفینی» و «بامبولک» نیز در رده‌های بعدی فروش ایستادند. در انتهای جدول، کمدی «عینک قرمز» با فروش ناچیز ۱۴ میلیون تومان قرار گرفت. فیلم جدید «صیاد» ساخته جواد افشار، روایتی از زندگی شهید صیاد شیرازی، از چهارشنبه به اکران درآمد و در سه روز نخست ۳۰ میلیون تومان فروش داشت که شروعی ناامیدکننده برای این فیلم پرهزینه به‌نظر می‌رسد.

